



The Components of Islamic Civilization from the Perspective of the Quran with Emphasis on the Thoughts of Imam Khamenei*

Yousef Khajeh Amiri*

Abstract

The substantial advancement witnessed in the previous century can be attributed to the concepts put forth by Western scholars and thinkers. The origins of this civilization can be traced back to ancient Islamic civilization, which was influenced by divine teachings and warrants in-depth exploration and examination. In this context, the significant cultural, political, and economic changes experienced in recent decades, particularly on a global level, alongside the enlightenment catalyzed by the Islamic Revolution, signify a large-scale alteration and profound evolution in human cognition and ideology. This article employs a descriptive-analytical methodology to explore the components of Islamic civilization through the lens of the Quran, with a specific focus on the teachings of the Supreme Leader (peace be upon him). The study's results suggest that spirituality, rationality, justice-centeredness, and efficiency are fundamental elements of Islamic civilization as elucidated in the Quranic teachings of the Supreme Leader. Achieving these components will result in the establishment of an Islamic government, the creation of an Islamic society, and the development of a significant Islamic civilization. Implementation of these components will promote self-reliance and innovation, ultimately advancing the spiritual well-being of humanity.

Keywords: Civilization, Leadership Thoughts, Islamic Civilization, Components of Civilization, Spiritualism.

*. Received: ۲۷/۰۳/۱۴۰۳ SH (۱۷/۰۶/۲۰۲۴ CE) and Accepted: ۱۵/۰۵/۱۴۰۳ SH (۰۵/۰۸/۲۰۲۴ CE).

*. Student at Ali bin Abi Talib (A.S) Specialized Center, Specialization in Management, Al-Mustafa International University.



مؤلفه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای*

یوسف خواجه امیری*

چکیده

جهش بزرگی که در سده‌ی اخیر اتفاق افتاد، محصول اندیشه‌ی نمایندگان اندیشوران غربی است. در حالی که آبخور آن تمدن کهن اسلامی است که ریشه در آموزه‌های وحیانی دارد و می‌بایست کشف و تحلیل شود. در این میان تحولات عظیم فرهنگی، سیاسی، اقتصادی در دهه‌های اخیر آن هم در مقیاس جهانی که با روشنایی خورشید عالم تاب انقلاب اسلامی به ظهور پیوست، نوید یک چرخش عظیم و تحول جدی در مبانی فکری و ذهنی بشری در حال به وقوع پیوستن را می‌دهد. این مقاله با کاربرست روش توصیفی-تحلیلی مؤلفه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم را با توجه به اندیشه‌های مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) بررسی و تبیین کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مواردی از قبیل معنویت‌گرایی، خردورزی، عدالت محوری، کارآمدی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی است که در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) بازشناسی و تبیین شده است. مؤلفه‌های یاد شده در صورت تحقق، منجر به تشکیل دولت اسلامی، تحقق جامعه اسلامی و تشکیل تمدن بزرگ اسلامی می‌شود که در صورت اجرای دقیق، خودباوری و نوآوری را در پی خواهد داشت و منجر به تعالی انسان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تمدن، اندیشه‌های رهبری، تمدن اسلامی، مؤلفه‌های تمدن، معنویت-

گرایی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵
* دانش پژوه مرکز تخصصی علی بن ابیطالب (علیه السلام) گرایش مدیریت - جامعه المصطفی العالمیه.



مقدمه

پیشرفت، بالندگی، نوآوری، تمدن و رسیدن به یک جامعه‌ی مطلوب و آرمانی، مدینه‌ی فاضله و آرمان شهر، هدف غایی نظام اجتماعی پویا و از آرزوهای مکتوم یا مصرّح مصلحان و اندیشمندان در ادوار مختلف تاریخی و اجتماعی بوده است. اما حل این مسأله که اساساً تمدن و تمدن اسلامی چیست؟ مؤلفه‌های پیدایی، پویایی و پایایی آن چیست؟ از جمله پرسش‌هایی است که در این مجال اندک به آنها پرداخته می‌شود.

تمدن اسلامی دارای خاستگاه قرآنی است که با بعثت رسول خدا(ص) و هجرت او به مدینه شکل گرفته و با اهتمام جدی ائمه معصومین(ع)، اندیشمندان اسلامی و مسلمانان مرزها را درنور دیده و تمدن‌های شناخته شده معاصر خود را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و در سیر تکاملی خویش -برغم گسست‌های عملی سیاسی و اجتماعی دولت‌ها- هیچ گاه به فراموشی سپرده نشد و احساس بازگشت به اسلام و احیای تمدن اسلامی، به عنوان دغدغه اصلی اندیشمندان جهان اسلام همواره وجود داشته است. نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر تجلی این احساس ارزشمند است که نقطه اوج آن را در نهضت امام خمینی «ره» و پس از ایشان در ظل رهبری بصیرانه و آگاهانه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای^(مدظله العالی) می‌توان به تماشا نشست. مهم‌ترین دست آورد این احساس مستمر، تقویت خودباوری و نوآوری در احیای تمدن اسلامی است.

قرآن کریم به عنوان منبع متقن و خطاناپذیر، با رویکردی همه جانبه به جایگاه انسان در نظام هستی و روابط عینی او با مبدأ و معاد و ارتباط تنگاتنگ میان زندگی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی، طرحی نو افکنده و با ارائه‌ی شاخص‌های مترقی، سیمای جامعه‌ی مطلوب توحیدی را ارائه کرده است. از این رو، تبیین مؤلفه‌های تمدن اسلامی با هدف نشان دادن نادرستی مؤلفه‌های تمدن مادی غرب از رسالت‌های امروز پژوهشگران اسلامی است؛ چرا که شناخت اصالت اسلام و تمدن اسلامی مهم‌ترین عامل احیای تمدن اسلامی در دوران معاصر است.

در سال‌های اخیر کتب و مقالات متعددی درباره بازیابی تمدن اسلامی نوشته شده است که هر کدام به زاویه‌ای از معرفی و شناخت تمدن اسلامی اشاره کرده است؛ اما به نظر می‌رسد درباره تبیین مؤلفه‌های تمدن اسلامی با توجه به اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) به عنوان



طلایه‌دار گسترش تمدن اسلامی در قرن حاضر، مقاله‌ای تألیف نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی تلاش می‌کند مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی را با توجه به اندیشه‌های قرآنی معظم له را بیان کرده و تقدیم حوزه تمدنی اندیشوران اسلامی کند.

مفهوم‌شناسی

۱. تمدن

در فرهنگ لغات عرب برای واژه تمدن دو واژه (حضاره) و (مدن) را به کار برده‌اند. «حضر» به معنای حضور و ضد غائب شدن است. به شهر و روستا «حضر» و به ساکنان آنها «حاضر» یا «حضری» گویند. مقابل حضر «بدو» (بادیه) و مقابل حاضر «بادی» یا «بدوی» (بادیه نشینی که در مکانی خاص استقرار ندارد) قرار دارد. (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۶۳۴؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۴۸۶/ زحشری، ۱۳۹۹ق: ۱۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۱۰۲)

ریشه مدن معنای سکونت و اقامت در جایی را می‌رساند (طریحی، ۱۴۱۶: ج ۶، ص ۳۱۵؛ جوهری، ۱۴۱: ج ۶، ص ۲۲۰؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۸، ص ۵۲۸) و واژه مدینه نیز برگرفته از آن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۴۰۲) برخی نیز معتقدند که مدینه تنها واژه مشتق از ماده «مدن» است. (ابن فارس: ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۰۶) برخی از واژه شناسان قرآنی پس از اشاره به مفهوم اقامت در ریشه مدن، تمدن را به معنای تخلّق به اخلاق اهل مدینه دانسته و اشتقاق آن از واژه مدینه را انتزاع گرفته‌اند. (مصطفوی، ۱۴۰۲: ج ۱۱، ص ۵۴) شرتونی واژه تمدن را چنین تعریف می‌کند: «تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و هجمیت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت». (شرتون، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۲۹۴)

با توجه به آنچه گفته شد واژه تمدن از منظر اهل لغت به معنای سکونت در شهر، پذیرفتن اخلاق و ارزش‌های شهر نشینی، منتقل شدن از وضعیت تعصب، خشونت و جهل به وضعیت دانش و معرفت و نیز شیوه‌ها و ابزار شهرنشینی را اختیار کردن آمده است. (جر، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۵۳)

در اصطلاح تعاریف متفاوتی اما از نظر کارکردی به صورت متقارب از تمدن ارائه شده است که به برخی اشاره می‌شود:



۱. از نظر ابن خلدون به اختیار کردن حالت و زندگی اجتماعی توسط انسان تمدن اطلاق می-

شود. (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ص ۷۳)

۲. از منظر برخی به مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی که باعث ایجاد فرصت برای جامعه شده و سبب شود تا عرصه‌های مختلف زندگی در هم ادغام و زمینه همکاری را برای رشد و توسعه اجتماعی فراهم سازد تمدن گفته می‌شود. (عمرانی، ۱۳۶۹: صص ۹ - ۱۸۹؛ ولایتی، ۱۳۸۰: ج ۱، صص ۲۹ - ۳۲)

۳. در نظر «ویل دورانت» تمدن عبارت از تجلی نظم اجتماعی و امکان پذیری خلاقیت فرهنگی است. (ویل دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳)

۴. به اعتقاد «هنری توماس»، تمدن پدیده‌ای است به هم تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود. (هنری لوکاس، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۷-۱۶)

۵. بعضی گفته اند که تمدن عبارت از استقرار نظم و همکاری و ایجاد روابط درست میان انسان‌ها در یک جامعه در راستای از بین بردن تراحم‌ها و تصادم‌های ویرانگر است تا از این طریق زمینه‌ی رشد و شکوفایی و رسیدن انسان به کمال فراهم شود به گونه‌ای که زیست اجتماعی و گروه‌های مختلف در جامعه سبب ظهور و فعال شدن استعدادهای نهفته گردد. (جعفری، ۱۳۷۳: ج ۶، ص ۲۳۳)

با عنایت به آنچه در معانی لغوی و اصطلاحی گفته شده، کلمه تمدن، از ریشه «مدینه»، «مدن» و «مدنیت» گرفته شده که به مفهوم انتقال از حالت بادیه نشینی و انتخاب شهرنشینی به منظور نهادینه شدن امور اجتماعی و عمران یافتن است. حاکمیت، نهادهای حکومتی، نظم‌پذیری، شهرنشینی، تعالی فضائل انسانی در عرصه‌های مختلف، علم و هنر، از علایم مدنیت اجتماعی و تعالی فرهنگی است.

مفهوم واژه حاضره و مدن در تفاسیر

همان گونه که بیان شد در فرهنگ لغات عرب برای واژه تمدن دو واژه (حضاره) و (مدن) را به کار برده‌اند. واژه حَضَرَ و مشتقات آن ۲۴ بار در قرآن بیان شده است. (عبدالباقی، ۱۴۲۰: ذیل واژه «حضر») همه این مشتقات که در ۱۶ سوره قرآن بیان شده است، به معنی حضور، وجود و استعداد



است. علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۶۳ سوره اعراف می‌نویسد: «مقصود از "حاضر دریا بودن" در نزدیکی دریا و مشرف به آن قرار داشتن است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۸، ص ۲۹۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۸۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۱۷۰) واژه مدن با مشتقات خود ۲۷ بار در ۱۵ سوره قرآن کریم آمده است. (عبدالباقی، ۱۴۲۰: ذیل واژه «مدن») علامه ذیل آیه ۳۶ سوره مبارکه شعراء می‌نویسد: «کلمه "مدائن" جمع مدینه به معنای شهر است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۲۷۴)

۲. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، یک مفهوم جامع و فراگیر است که تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. این تمدن، صرفاً به جنبه‌های سیاسی و فرهنگی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حتی معنوی زندگی بشر را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، تمدن اسلامی، یک سبک زندگی جامع و کامل است که تمامی جوانب وجود انسان را به سوی کمال و سعادت هدایت می‌کند. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ص ۱۱۳) اسلام به عنوان دین حاکم بر تمدن اسلامی، تمامی ابعاد این تمدن را شکل می‌دهد. تمامی قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه اسلامی، ریشه در آموزه‌های قرآن و سنت معصومین دارد. از این رو، تمدن اسلامی، یک تمدن الهی است که در آن، دین و دنیا در کنار هم معنا پیدا می‌کنند و انسان به عنوان خلیفه خدا در زمین، مسئولیت خطیری در قبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و سعادت‌مند بر عهده دارد. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ص ۵۲-۵۱) برای تحقق تمدن اسلامی، شرایط و عوامل متعددی باید فراهم شود. این شرایط هم جنبه‌های اخلاقی و معنوی دارد و هم جنبه‌های مادی و اجتماعی. به عبارت دیگر، برای ایجاد یک جامعه اسلامی، علاوه بر ایمان و تقوا، نیاز به تلاش و کوشش در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز می‌باشد. در واقع، تمدن اسلامی، یک آرمان بلندمدت است که تحقق آن نیازمند تلاش همه‌جانبه و مستمر تمامی مسلمانان است. (بابایی، ۱۳۹۰: ص ۴۹-۴۶)

۳. تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



برای رسیدن به معنا و مفهوم تمدن اسلامی ابتدا مرور کوتاه به برخی از فرمایشات معظم له می‌اندازیم:

۱. زندگی همراه با نظم علمی، تجربه‌های خوب زندگی و بهره‌گیری از پیشرفت‌ها در زندگی؛ (گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴، <https://khl.ink/f/۱۰۸۵۷>)

۲. در تمدن اسلامی علم توأم با ارزش‌های اخلاقی، مادیات با معنویات و دین‌مداری و قدرت سیاسی با عدالت همراه است؛ گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴، <https://khl.ink/f/۱۰۸۵۷>

۳. در تمدن اسلامی ظرفیت و فضایی فراهم می‌شود که انسان از لحاظ معنوی و مادی رشد کرده و به هدف اصلی که خداوند ترسیم کرده دست می‌یازد. در چنین فضایی انسان دارای زندگی مطلوب، زندگی عزتمند، برخوردار از قدرت، دارای اراده و ابتکار است؛ (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴، <https://khl.ink/f/۲۳۸۱۰>)

۴. تمدنی اسلامی است که دارای شاخصه‌هایی مانند ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت مداوم و اندیشه پیشرفته باشد و انسان‌ها را به سوی آن شاخص‌ها هدایت کرده و جهان مادی را از یوغ اخلاق مادی و ظالمانه و به لجن کشیده‌ی تمدن امروزی غرب رها کند؛ (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹، <https://khl.ink/f/۲۲۴۰۵>)

۵- تمدن اسلامی، با تلفیق موفق دنیا و آخرت، وجه تمایز خود را از دیگر تمدن‌ها نشان می‌دهد. این تمدن، نه تنها به دنبال پیشرفت مادی و دنیوی است، بلکه بر اهمیت معنویت، اخلاق و عدالت نیز تأکید فراوان دارد. در تمدن اسلامی، سعادت انسان در گرو تعادل بین نیازهای مادی و معنوی اوست و توسعه و پیشرفت، در خدمت رفاه و آسایش همه افراد جامعه است. (بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰، <https://khl.ink/f/۳۳۶۶>) تمدنی که اسلام برای بشر ترسیم می‌کند، تمدنی است که در آن، انسان‌ها در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی دارند و به کمال انسانی دست می‌یابند. این تمدن، با بهره‌گیری از آموزه‌های آسمانی، به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن، هم علم و فناوری شکوفا شود و هم انسان‌ها به ارزش‌های معنوی پایبند باشند. در چنین جامعه‌ای، انسان‌ها



احساس امنیت و آرامش می‌کنند و به جای رقابت ناسالم، در جهت رشد و تعالی یکدیگر تلاش می‌کنند. (بیانات در اجتماع نیروهای شرکت‌کننده در مانور عظیم طریق‌القدس، ۱۳۷۶/۰۲/۰۳
<https://khl.in/f/۸۸۹۸>)

با توجه با آنچه از فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) راجع به تمدن اسلامی می‌توان برداشت کرد آن است که معظم له تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان بتواند در آن فضا از جهت مادی و معنوی رشد کرده و به اهداف مطلوبی که از سوی خدای سبحان ترسیم شده است. انسانی که در تمدن اسلامی رشد می‌کند برخوردار از حیات عزتمند، اخلاق‌مدار، قدرتمند، آزاد و مبتکر است. (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۳
<https://khl.in/f/۲۷۱۴۹>)

در این تعریف جامع از تمدن اسلامی، ابعاد مختلف زندگی انسان را در بر می‌گیرد؛ از معنویت و اخلاق تا پیشرفت‌های مادی و علمی. این تمدن، بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بنیان نهاده شده و تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تمدن اسلامی، پویا و رو به رشد است و با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی و دینی، به دنبال سعادت و کمال انسان در تمامی ابعاد وجودی او است. تمدن اسلامی، صرفاً به معنای دستاوردهای علمی و فنی مسلمانان نیست، بلکه شامل تمامی فعالیت‌ها و دستاوردهایی است که در طول تاریخ اسلام در زمینه‌های مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به دست آمده است. این تمدن، از زمان بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آغاز شده و تاکنون ادامه داشته است و در گستره‌ای وسیع از جهان اسلام، از چین تا اندلس، گسترش یافته است. دیدگاه اسلام به تمدن و پیشرفت، با دیدگاه‌های غربی تفاوت‌های اساسی دارد و بر اساس ارزش‌ها و اصول خاص خود شکل گرفته است.

مؤلفه‌های تمدن اسلامی

همان طور که بیان گردید مسأله اصلی، یافتن پاسخ مناسب درباره چیستی تمدن اسلامی و شاخص‌های آن از آموزه‌های وحیانی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است. از این رو با بدیهی و اصل موضوعه گرفتن این مطلب که منابع دین به ویژه قرآن کریم به



نیازهای عصری بشر پاسخگو است، و یکی از اهداف این تحقیق دستیابی به اندیشه‌های قرآنی مقام ولایت به عنوان ناخدای تمدن اسلامی در عصر حاضر است، از این رو، هر چند در آموزه‌های وحیانی شاخص‌های زیادی برای تمدن اسلامی بیان گردیده است و نیز در فرمایشات مقام معظم ولایت آموزه‌های بسیاری برای تحقق تمدن اسلامی جهت دست یازیدن به جامعه آرمانی مطرح گردیده است، اما با توجه به مجال اندک و چارچوب این مقاله آنچه از شاخص‌های تمدن اسلامی از منظر آموزه‌های قرآن در ذیل بیان می‌شود تنها بخشی از محوری‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌هایی است که در اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) تبلور یافته است.

۱. معنویت‌گرایی

معنویت در اسلام، فراتر از یک مفهوم محدود است و به تمامی ابعاد وجودی انسان مرتبط می‌شود. این مفهوم، ریشه در ایمان به خدا، ارزش‌های اخلاقی همچون صداقت و مهربانی، و تلاش برای تقرب به خداوند دارد. قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت (ع)، سرچشمه اصلی معنویت اسلامی هستند و این مفهوم را به عنوان هسته مرکزی دین معرفی می‌کنند. معنویت اسلامی، با توحید گره خورده و به انسان می‌آموزد که همه اعمال و افکار او باید با نیت خالص و برای رضای خدا باشد. (عابدی جعفری و رستگار، ۱۳۸۶: ص ۱۱۸)

قرآن کریم، معنویت را به عنوان یک اصل فراگیر در زندگی انسان معرفی می‌کند و معتقد است که همه اعمال انسان، اعم از عبادت، کار، سیاست و ... باید با نیت الهی همراه باشد تا دارای ارزش معنوی شوند. «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِثْلٍ خَفًّى» (سبأ/۴۶) به عبارت دیگر، معنویت در اسلام به معنای رنگ‌آمیزی همه ابعاد زندگی با رنگ الهی است. خلوص نیت، کلید ورود به دنیای معنویت است و انسان را به کمال و سعادت واقعی می‌رساند. «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده/۲۷)

معنویت در نگاه قرآن، پدیده‌ای پویا، فراگیر و متعالی است که ابعاد مختلف زندگی انسان را در بر می‌گیرد. این معنویت، صرفاً به امور فردی محدود نمی‌شود، بلکه به جامعه و تمدن نیز گسترش می‌یابد و به عنوان نیروی محرکه‌ای برای رشد و تعالی انسان عمل می‌کند. قرآن کریم،



معنویت را پدیده‌ای جاودانه و ابدی معرفی می‌کند که از قیدهای زمان و مکان فراتر است. «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل/۹۶) این معنویت، به همه انسان‌ها، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد یا طبقه اجتماعی، «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷) تعلق دارد و به عمل صالح و ایمان به خدا وابسته است. «فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انعام/۴۸) معنویت قرآنی، پویا و رو به رشد است و انسان را به سوی کمال و تعالی سوق می‌دهد. «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/۱۰) آرامش و سکون درونی، یکی از نتایج طبیعی این معنویت است، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) اما این آرامش، آرامشی فعال و پویا است که انسان را برای خدمت به جامعه و بشریت آماده می‌کند. به عبارت دیگر، معنویت در قرآن، معنویتی است که زندگی انسان را به سمت معنا و هدفمند شدن سوق می‌دهد. این معنویت، نه تنها به فرد آرامش و سعادت می‌بخشد، بلکه به جامعه نیز انسجام و پیشرفت می‌آورد و تمدنی مبتنی بر ارزش‌های انسانی و الهی را شکل می‌دهد. به تعبیر علامه طباطبایی (ره) «قرآن در قالب علم و عمل، انسان را در قالب و چارچوب جدیدی قرار می‌دهد و به او ساختار جدیدی می‌بخشد؛ در پی این دگرگونی، انسان به حیاتی دست می‌یابد که هرگز مرگ در آن راه ندارد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۲۷۲)

حال مروری اجمالی به فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که قطعات مختلف معنویت در تمدن اسلامی را شکل می‌دهد و از زوایای مختلف در نگرش معظم له قابل مطالعه و رصد است نظری می‌افکنیم.

➤ برای انسانی که طالب معنویت است هدف اصلی عبارت از وصول به حق، رسیدن به قرب باری تعالی است. (بیانات در دیدار زائرین و مجاوین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۰/۰۱/۰۲،

<https://khl.ink/f/۲۴۴۴>

➤ نظام اسلامی، صرفاً به دنبال تغییر در ساختار سیاسی نیست، بلکه هدف اصلی آن، تحول درونی انسان‌ها و رسیدن به رشد معنوی است. در این نظام، انسان از حالت مادی‌گرایی خارج شده و به سوی معنویت و خداپرستی حرکت می‌کند. آرزوها و ارزش‌های مادی



جای خود را به ارزش‌های والای انسانی و الهی می‌دهند. (بیانات در جمع سپاهیان و بسیجیان

لشکر ۱۰ سیدالشهداء، ۱۳۷۷/۰۷/۲۶، <https://khl.ink/fv۷۷۵>)

➤ یکی از شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی، تلفیق معنویت و سیاست است. در این مکتب، سیاست صرفاً یک ابزار برای رسیدن به قدرت نیست، بلکه ابزاری برای تحقق ارزش‌های الهی و خدمت به مردم است. امام خمینی معتقد بودند که در تمامی برنامه‌ریزی‌های سیاسی باید معنویت و اخلاق حاکم باشد. به عبارت دیگر، قدرت سیاسی باید در خدمت معنویت قرار گیرد. (بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)،

۱۳۸۳/۰۳/۱۴، <https://khl.ink/f/۷۶۳۳>)

➤ اساس حکومت اسلامی، ایمان به خدا و تعالیم انبیاء است. تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این حکومت باید بر اساس ایمان و ارزش‌های دینی صورت پذیرد. «(فتح/۸-۹) هدف از تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد جامعه‌ای است که در آن، انسان‌ها به کمال معنوی دست یابند. (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی،

۱۳۸۹/۰۱/۱۰، <https://khl.ink/f/۱۰۷۸۳>)

➤ ایمان و معنویت، موتور محرک جامعه اسلامی هستند. جامعه‌ای که بر اساس ایمان و معنویت بنا شده باشد، جامعه‌ای پویا، پیشرو و عدالت‌خواه خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر اهمیت ایمان و معنویت، جامعه‌ای را شکل داد که در آن، انسان‌ها با همدلی و برادری زندگی می‌کردند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸،

<https://khl.ink/fv۰۱۰>)

۲. خردورزی

عقل، نیرویی است که انسان را قادر می‌سازد تا حق را از باطل، خیر را از شر و نافع را از مضر تشخیص دهد. این نیرو، به عنوان یک نگهبان درونی، انسان را از گمراهی و خطا باز می‌دارد. در واقع، عقل همان ادراکات درونی و پیمان قلبی انسان با حقایق است. همچنین، عقل نیرویی است که به انسان توانایی تفکر و استدلال داده و او را قادر می‌سازد تا خیر و شر را از هم تمیز دهد. (اصفهانی، ۱۳۷۹: ص ۳۰۸) خداوند متعال، عقل را به عنوان ابزاری برای شناخت دین و رسیدن به



حقایق معرفتی معرفی کرده است. اگر عقل انسان در مسیر شناخت دین قرار نگیرد و محدود به امور دنیوی شود، نمی‌توان آن را عقل کامل نامید. به عبارت دیگر، عقل، چراغ راه دین و منبع معرفت انسان از دین است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۷۵) عقل، مسئولیت شناخت تکالیف دینی و انجام آن‌ها را بر عهده دارد. خصوصاً در امور دنیوی و شناخت پروردگار، عقل نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. انسان با استفاده از عقل خود می‌تواند به حقایق دین پی ببرد و به وظایف دینی خود عمل کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۵۰) قرآن کریم، به عنوان کتاب هدایت، عقل انسان را مخاطب قرار می‌دهد. خداوند، انسان را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند تا با استفاده از عقل خود به حقایق دین پی ببرد. ؛ «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر/۲) و «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (آل عمران/ ۶۵) و آیات دیگر. بنابراین، عقل و دین در اسلام دارای ارتباط تنگاتنگی هستند و هر دو در کنار هم، انسان را به سوی کمال و سعادت هدایت می‌کنند.

مقام معظم رهبری، عقلانیت را نیرویی می‌دانند که باید در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان، به ویژه در ساختن تمدن اسلامی، حاکم باشد. ایشان بر این باورند که عقلانیت به معنای استفاده از خرد و استدلال برای حل مسائل و تصمیم‌گیری‌ها است و با محافظه‌کاری و تساهل در تضاد است. به اعتقاد ایشان، برای تشکیل تمدن بزرگ اسلامی، باید عقل را به عنوان معیار و ملاک قرار داده و بر تقویت نیروی خرد در جامعه تمرکز کنیم. (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹ / <https://khl.i.nk/f/۷۴۳۵>) ایشان همچنین بر اهمیت نقش عقلانیت در پیشرفت مسلمانان تأکید کرده و عدم استفاده از عقل را یکی از دلایل اصلی مشکلات و عقب‌ماندگی‌های جهان اسلام می‌دانند. به باور مقام معظم رهبری، دوری روحانیت غربی از عقلانیت در دوران قبل از رنسانس، منجر به شکل‌گیری تمدن منحرف غربی شده است. بنابراین، برای رسیدن به تمدن اسلامی، باید از تجربه‌های تاریخی درس گرفته و با بهره‌گیری از عقلانیت، به سوی پیشرفت و تعالی حرکت کنیم. (بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سندج، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲ / <https://khl.i.nk/f/۶۶۴۲>)

۳. عدالت‌گرایی



کثرت آیات درباره عدل بیانگر منزلت این مفهوم در قرآن است. (الرحمن/۷ - ۱۰؛ مائده/۸؛ نساء/۱۳۵ و نحل/۹۰) این مؤلفه در شکل‌گیری تمدن اسلامی و نیز سنجش میزان نزدیکی بودن جامعه اسلامی به الگوی تمدنی قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد و از جمله مفاهیمی است که مورد توجه ویژه رهبران فکری و مصلحان اجتماعی قرار گرفته است. به گواهی قرآن کریم فلسفه بعثت انبیا، ارسال رسل، انزال کتب و تشریع قوانین مختلف از سوی پروردگار، در این راستاست. به سخنی دیگر، ایجاد جامعه عادلانه در سرلوحه اهداف والای پیامبران قرار داشته است. (حدید/۲۵) به گونه‌ای که اختلاف اساسی دولت صالحین با دولت جائزین هم در پرتوی این مسئله معنا می‌یابد. حکومت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به عنوان الگوی تام، کامل و عملیاتی شده عنصر مهم عدالت در دولت اسلامی یک مصداق خارجی سیستم عدالت‌محور در گستره‌ی تاریخ مورد توجه اندیشوران بوده است.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره می‌فرمایند: «تکیه بر عدالت، اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است؛ ادامه کار همه انبیا و مصلحان بزرگ تاریخ است. البته عدالت، دشمنانی دارد. همه کسانی که نانشان در بی عدالتی است، با عدالت دشمن‌اند. همه کسانی که با قلدری و زورگویی - چه در صحنه ملی، چه در صحنه بین‌المللی - تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. عدالت، شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست.» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد، ۱۲/۰۵/۱۳۸۴،

<https://khl.ink/f/۷۶۸۱>

به باور معظم له، سخن گفتن درباره عدالت کافی نیست؛ بلکه مهم‌ترین مسئله، عملی کردن عدالت در زندگی روزمره و پیاده‌سازی آن در تمام شئون اجتماعی است. از این رو، ایشان می‌فرمایند: «در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه‌ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به‌خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه‌ی اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین



گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی‌دست و کم درآمد است.» (پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳/۰۳/۱۳۷۰، <https://khl.ink/f/۷۶۳۱>)

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به ضرورت وجود شاخص‌های مشخص برای عدالت در هر حوزه، بر اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند برای تحقق عدالت تأکید دارند. ایشان معتقدند که با تعیین شاخص‌های عدالت در هر حوزه، می‌توان برنامه‌های اجرایی را بر اساس این شاخص‌ها طراحی و اجرا کرد و در نهایت به ارزیابی کارآمدی این برنامه‌ها پرداخت: «عدالت چه جوری تأمین می‌شود؟ یعنی واقعاً یک مقیاس لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین می‌شود این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت مورد نظر برسیم.» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۰۸/۰۶/۱۳۸۹، <https://khl.ink/f/۱۰۱۲۹>)

ع. کارآمدی

کارآمدی به معنای «میزان نیل به اهداف تعیین شده» است. (الوانی و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۱۱۱) و نیز به مفهوم «میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت» است. (معینی، ۱۳۷۰: ص ۱۵۵) همچنین در دانش مدیریت در تعریف کارآمدی گفته‌اند: «کارآمدی شایستگی و کاردانی در تأمین اهداف و کارآیی، شایستگی در مصرف منابع و بهره‌برداری بهینه از آن است.» (رضائیان، ۱۳۷۹: ص ۱۹)

با توجه به فراوانی مطالب مربوط به این شاخص در سخنان مکرری که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ایراد شده می‌توان چنین برداشت کرد که در بُعد بینشی جهت مشروعیت بخشیدن و کارآمدی نظام اسلامی به مؤلفه‌های نظیر خداباوری، ولایت محوری، مردم باوری و موعودگرایی باورمند است. در این میان در نظام ولایی که در آن دستورات خدای سبحان حاکمیت دارد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن کارآمدی است که توجه نکردن به آن به منزله‌ی عدم تحقق اهداف نظام است. زیرا خدای سبحان سرچشمه عزت به معنای واقعی است و دیگر آفریده‌ها در ذات خود، فقیر و ذلیل هستند؛ «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر/۱۰) از این رو،



مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در این رابطه می‌فرماید: «ما قوی هستیم و به عزت پروردگار عزیزیم؛ ما اگر مؤمن باشیم، عزت متعلق به ماست، و ما به خداوند عرض می‌کنیم: پروردگارا! ما به تو و راه تو و آینده‌ای که به ما وعده داده‌ای، مؤمنیم» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۰۳/۲۳ <https://khl.ink/f/۲۰۸۹>)

در اندیشه رهبری ولایت محوری به معنای آن است که تمام سیستم، مجریان، مردم، چشم-اندازها، خط مشی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و... تحت سطرع و احکام و دستورات یا سیره معصومین (ع) است. همه‌ی سیاستگذاری‌های نظام اسلامی با اهداف متعالی آنان هماهنگ خورده و همه‌ی فعالیت‌ها بر مبنای دین اسلام و دستورات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) ترسیم می‌شود. از این رو، مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) با اسوه قرار دادن سیره حکومتی و اخلاقی حضرت علی (ع) می‌فرماید: «باید تلاش کنیم خودمان را به آن نمونه کامل نزدیک و شبیه‌تر کنیم، اگر حرکت به گونه‌ای باشد که در حال دور شدن از آن نمونه کامل باشیم این انحراف و خطاست.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۰۳/۳۰ <https://khl.ink/f/۲۶۲۵>)

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) نیز به اهمیت این مسئله توجه داشته و همواره بر جایگاه مردم در سیستم حکومت دینی تأکید کرده و می‌فرماید: «نظام ما نظامی است متکی به ایمانها و عواطف و علائق مردم. اساساً سرّ شکست‌ناپذیری این نظام این است که به مردم متکی است. این چیز مهمی است. اتکای به مردم هم آسان به دست نمی‌آید و همه جا حاصل نمی‌شود. اگر یک سرّ الهی در میان نباشد، توجه نفوس و دل‌های مردم هم ممکن نیست.» (بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴ <https://khl.ink/f/۲۷۸۲>)

از دیدگاه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، انتظار از ظرفیت‌های زیادی برخوردار است که ملت-ها به شکل نیکو باید از آن‌ها بهره ببرند. از نظر ایشان مهمترین پیامد انتظار، امید است که در پی آن مبارزه و مجاهدت و عدم تسلیم در برابر دشمنان است. «اعتقاد به قضیه مهدی (عج) و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن، بهره‌های فراوانی ببرند» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ <https://khl.ink/f/۲۷۸۰>)



آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) انتظار فرج به عنوان پایه و اساس نظام اسلامی معرفی کرده و بر این باور است که نظام اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که هماهنگ و همسو با حکومت جهانی امام زمان (عج) باشد. «ما که، منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (عج) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۶۸/۱۲/۲۷،

<https://khl.ink/f/۲۲۷۶>

در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) حکومت اسلامی می‌بایست در عمل نشان دهد که قوانین و برنامه‌های آن از کارآمدی برخوردار است. رهبری ضمن تبیین جامع از شاخص‌ها و برنامه‌های نظام مطلوب نظام مردم‌سالاری دینی و تفوق آن نسبت به نظام دموکراسی‌های غربی، از آن به عنوان دولت کریمه یاد کرده و تحقق آن را مبتنی بر باور راسخ به راه اسلام و انقلاب، عزت و سربلندی، نفوذناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گرانقدر انقلاب و بیان آرمان‌ها و حرف‌های نو برای جامعه بشری از جمله مردم سالاری دینی دانسته و با تأکید بر لزوم کارآمدی دولت تصریح کردند: «فلسفه وجودی دولت در نظام اسلامی، تبدیل حرف‌های خوب به اقدامات خوب و اعمال صالح است؛ و برای تحقق این مهم، باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد». (بیانات در دیدار رئیس

جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵، <https://khl.ink/f/۳۰۷۹>

نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مقوله کارآمدی نظام بسیار اساسی است تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها می‌داند و میان مشروعیت و کارآمدی ارتباط برقرار کرده و می‌کنند: «ضمن استقامت کامل در اهداف و مبانی با اصلاح، تغییر و تکامل روش‌ها، حرکت به سوی اهداف پیش‌بینی شده را با عزمی راسخ ادامه می‌دهیم... از هیچ کس انتظار معجزه نمی‌رود، اما در عملکرد همه مسئولان باید کارآمدی و نشانه‌های موفقیت در انجام دادن وظایف محوله، آشکار و ملموس باشد». (دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱،

<https://khl.ink/f/۱۸۸۹>

۵. خودباوری



یکی از مهم‌ترین نتایج پیاده‌سازی شاخص‌های عدالت، ایجاد خودباوری در جامعه اسلامی است. خودباوری، سلاحی قدرتمند در برابر تمدن مادی است که با ابزارهایی مانند تحقیر و فریب، به دنبال تضعیف هویت اسلامی و انحلال امت اسلامی است. مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در اهمیت و جایگاه خودباوری می‌فرماید: «دست به دامن دیگران شدن و منتظر این ماندن که برای رسیدن به مقصود باید دستی از غیب برون آمده و نظام ما را کارآمد سازد و یا اینکه چاره‌ای نداریم جز اینکه دنباله رو دیگران باشیم نه تنها کمکی به ما نخواهد کرد بلکه حتی در صورت رسیدن به هدف نیز نمی‌توان نظام را کارآمد تلقی کرد، بلکه اولین گام در خودباوری دینی، خودشناسی و خودسازی فردی و اجتماعی است.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۰۱/۱۰،

<https://khl.in/f/۲۲۸۶>

مقام معظم رهبری بر این باور است که خودباوری عنصر مهمی در مسیر دست یازیدن به پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی است و فقط با برخورداری از امکانات مادی نمی‌توان قله‌های ترقی را طی نمود به طوری که می‌فرمایند: «این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اصلی توسعه و پیشرفت هر نظامی است. امکانات مادی، تنها یک رکن بوده و کافی نیست. زیرا ممکن است ملتی از امکانات مادی فراوانی برخوردار باشد، ولی قادر به رسیدن به پیشرفت و ترقی مطلوب نباشد و نتواند به قله‌های عزت و اقتدار دست یازد. بلکه مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که می‌تواند.» (بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۸۸/۰۳/۱۴،

<https://khl.in/f/۷۰۸۹>

۶. نوآوری

ثمره‌ی دوم مؤلفه‌های یاد شده در جامعه، ایجاد زمینه برای نوآوری است. زمانی که شاخص‌های تمدن اسلامی در جامعه به خوبی نهادینه شود، برای حرکت در مسیر تعالی و دستیابی به اهداف اسلامی، نیازمند تولید دانش و فناوری نو هستیم. تکیه بر دستاوردهای تمدن‌های دیگر که با ارزش‌های ما سازگاری ندارد، نمی‌تواند ما را به اهداف بلندمدتمان برساند. مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) می‌فرماید: «اسلام، ثابت کرده است که ظرفیت رساندن امت خود به اعتلای مدنی



و علمی و عزت و قدرت سیاسی را دارد. آنچه در دوران گذشته ایران اسلامی را به مهد تمدن رساند و آن تمدن عظیم اسلامی را در ایران پدید آورد، هم اکنون نیز در اختیار ماست و به ما هشدار می‌دهد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» (انفال/۲۴) (بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸، <https://khl.ink/f/۲۸۶۳>)

معظم له نوآوری را در درجه‌ی اول اهمیت دانسته و می‌فرماید: «تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نو اندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم است. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی... اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره جزمی-گری تعریف‌های علمی القاء شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند.

البته اشتباه نشود؛ من کسی را به آناشیزم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه‌ای، کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری کنند، به مهمل‌گویی می‌افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی این را می‌بینیم. آدم‌های ناوارد بدون این که از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند؛ که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است. بنابراین در زمینه مسائل علمی، من این را توصیه نمی‌کنم. باید فراگرفت؛ اما نباید صرفاً مصرف‌کننده فرآورده‌های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند.» (بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹، <https://khl.ink/f۳۰۵۳>)

همچنین مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) می‌فرماید: «اعتقاد و اتکا به نفس، در همه تلاشهای علمی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ما، ترسیم‌کننده خط و جهت اصلی است. ما به برکت همین خودباوری که امام خمینی راحل آموختمان، توانستیم کشور ویران و عقب افتاده دوران پهلوی را که در طول هشت سال جنگ تحمیلی ویرانه تر شده بود، بازسازی و از رونق و نشاط سازندگی



برخوردار کنیم.» (بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۸ / ۱۳۷۶/۰۹

<https://khl.ink/f/۲۸۶۳>

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) حفظ و تقویت خودباوری و اعتماد به نفس را وظیفه‌ای بزرگ و تاریخی دانسته و برخی از آثار و برکات این احساس مبارک را در عرصه دانش و تحقیق، این گونه بر می‌شمارد: «در عرصه دانش و تحقیق؛ ده برابر شدن کمیت دانشجویی، پیدایش و گسترش رشته‌های متعدد علمی، تحقیقی، فراگیر شدن تحصیلات عالی، بروز استعدادها درخشان در میدان ابتکار و اختراع از ثمرات همان خودباوری و اعتماد به نفس است.» (پیام به مناسبت برپایی همایش بزرگ دانشگاهیان کشور، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲، <https://khl.ink/f/۲۹۵۳>)



نتیجه

اندیشمندان اسلامی همواره در پی ایجاد تمدنی الهی بر پایه آموزه‌های اسلامی بوده‌اند. این تمدن ایده‌آل، ترکیبی از معنویت، عقلانیت، عدالت و کارآمدی است. معنویت در این تمدن به معنای بندگی خدا و توجه به ارزش‌های اخلاقی است. در کنار آن، عقلانیت به عنوان ابزار شناخت حقایق و حل مسائل مورد تأکید قرار می‌گیرد. عدالت نیز به عنوان یک اصل اساسی در روابط اجتماعی و اقتصادی مطرح می‌شود. در نهایت، کارآمدی نیز برای تحقق اهداف تمدن اسلامی ضروری است.

ترکیب این چهار عنصر، خودباوری را در جامعه اسلامی تقویت می‌کند. خودباوری، نیروی محرکه‌ای برای نوآوری و پویایی جامعه است و به مسلمانان امکان می‌دهد تا به نیازهای عصر خود پاسخ دهند. اما این نوآوری، باید در راستای اهداف متعالی اسلامی باشد و صرفاً تقلید از غرب نباشد. تمدن اسلامی هویت مستقل خود را دارد و باید بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی بنا شود. ۱. قرآن کریم، به عنوان کتاب هدایت، به طور جامع به موضوع معنویت پرداخته است. معنویت در قرآن، فراتر از اعمال ظاهری است و به عمق وجود انسان نفوذ می‌کند. قرآن، خداگرایی را هسته اصلی معنویت می‌داند و معتقد است که همه افعال و اندیشه‌های انسان باید بر اساس این اصل شکل گیرد.

۲. عقل، به عنوان یکی دیگر از عناصر مهم تمدن اسلامی، نقش کلیدی در تشخیص حق از باطل و خیر از شر ایفا می‌کند. مقام معظم رهبری نیز بر اهمیت عقلانیت در تمدن اسلامی تأکید فراوان داشته‌اند. با استفاده از عقل، می‌توانیم به بهترین نحو از آموزه‌های اسلامی در حل مسائل جامعه بهره ببریم.

۳. مؤلفه‌ی عدالت‌گرایی در شکل‌گیری تمدن اسلامی و نیز سنجش میزان نزدیک بودن جامعه اسلامی به الگوی تمدنی قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد و از جمله مفاهیمی است که مورد توجه ویژه رهبران فکری و مصلحان اجتماعی قرار گرفته است. به گواهی قرآن کریم فلسفه بعثت انبیا، ارسال رسل، انزال کتب و تشریع قوانین مختلف از سوی پروردگار، در این راستاست.



۴. در سیستم اسلامی حاکمیت از آن خدای سبحان است که به عنوان مهم‌ترین مؤلفه در تبیین کارآمدی تلقی شده به گونه‌ای که عدم توجه به آن به منزله عدم تحقق اهداف نظام است.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن خلدون، عبد الرحمن، ترجمه محمد پروین گنابادی مقدمه ابن خلدون، تهران، مرکز انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲ش.
۲. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۴. آلوسی سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. الوانی، سیدمهدی، زاهدی، شمس‌السادات، فقیهی، ابوالحسن، فرهنگ جامع مدیریت، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳ش.
۶. بابایی، حبیب‌اله، تمدن و تجدد، قم، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ش.
۷. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات نشر معارف، ۱۳۸۸ش.
۸. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، تهران، امیر کبیر، بی‌تا.
۹. جعفری، علامه محمدتقی، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۶ش.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.



۱۲. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزّه العالی)، بیانات، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)،
<http://farsi.khamenei.i>
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت و دمشق، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۷۹ش.
۱۵. زمخشری محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۶. زمخشری، ابوالقاسم، محمد، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ق.
۱۷. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، قم، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۲۰. عابدی جعفری و رستگار، عباسعلی، ظهور معنویت در سازمانها؛ مفاهیم، تعاریف، پیش فرضها، الگوی مفهومی، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ش ۵، ۱۳۸۶ش.
۲۱. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۰ق.
۲۲. عمران، اسعد، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمه صادق آیینه‌وند، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۴. مدیریت حوزه علمیه قم، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم، انتشارات مرکز حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش.



۲۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الکتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.

۲۶. معینی، صفرا، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان، تهران، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۰ش.

۲۷. هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبد الحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۶۶ش.

۲۸. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.

۲۹. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰ش.

۳۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵ش.



Bibliography

Quran Karim (The Noble Quran).

۱. Abdel-Baqi, Mohammad Fouad, *Al-Mu'jam al-Mufahras li-Alfaz al-Quran al-Karim (The Index of the Words of the Noble Quran)*, Beirut: Al-A'lami Publications, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۲. Abedi Jafari, and Rostegar, Abbasali, *Zuhur-e Ma'naviyyat dar Sazman-ha; Mafahim, Ta'arif, Pishfarz-ha, Olgo-ye Mafhumi (The Appearance of Spirituality in Organizations; Concepts, Definitions, Preconditions, Conceptual Framework)*, Iranian Management Sciences Quarterly, no. ۵, ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۳. Abu al-Husayn, Ahmad bin Faris bin Zakariya, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (The Dictionary of the Standards of Language)*, Qom: Office of Islamic Preaching Publications, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۴. Al-Alusi, Seyyed Mahmood, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim (The Spirit of Meanings in the Exegesis of the Noble Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۵ CE).
۵. Alwani, Seyyed Mehdi, Zahedi, Shams al-Sadat, Faqihi, Abul Hasan, *Farhang-e Jame' Modiriyat (Comprehensive Management Dictionary)*, Tehran: Allameh Tabatabai University, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۶. Ayatollah al-Udhma Seyyed Ali Khamenei (Dam 'Azza al-'Ali), *Bayanat (Sayings)*, Information and Publications Center, Official Website of Ayatollah Khamenei, <http://farsi.khamenei.ir>.
۷. Babaei, Habibollah, *Tamaddon va Tajaddod (Civilization and Modernity)*, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Sciences, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).



۸. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ayn (The Book of the Ayn)*, Volume ۲, Qom: Hegarat Publications, ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).
۹. Ibn Khaldun, Abdul Rahman, Translated by Mohammad Parvin Ganabadi, *Muqaddimah Ibn Khaldun (The Introduction of Ibn Khaldun)*, Tehran: Scientific-Cultural Publishing Center, ۱۳۶۲ SH (۱۹۸۳ CE).
۱۰. Ibn Manzur, Abu al-Fadl, Jamal al-Din, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution - Dar Sa'dir, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۴ CE).
۱۱. Jafari, Allama Mohammad Taqi, *Farhang-e Piru (The Dictionary of the Followers)*, Tehran: Scientific and Cultural Publications, ۱۳۷۳ SH (۱۹۹۴ CE).
۱۲. Jan Ahmadi, Fatemeh, *Tarikh-e Farhang va Tamaddon-e Islami (History of Islamic Culture and Civilization)*, Tehran: Ma'arif Publishing, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۱۳. Jar, Khalil, *Farhang-e Larus (Larousse Dictionary)*, Translated by Seyyed Hamid Tabibian, Tehran: Amir Kabir, no date of publication.
۱۴. Jawadi Amoli, Abdullah, *Manzilat-e Aql dar Handaseh-ye Ma'refat-e Dini (The Status of Reason in the Architecture of Religious Knowledge)*, Qom: Israa Publications, ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۱۵. Johari, Ismail bin Hamad, *Al-Sihah - Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyyah (The Authentic Dictionary - The Crown of Language and the Authentic Arabic)*, Beirut: Dar al-Ilm Lil-Malayin, ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).
۱۶. Lucas, Henry, *Tarikh-e Tamaddon (The History of Civilization)*, Translated by Abdul Hossein Azarnagh, Tehran: Keyhan, ۱۳۶۶ SH (۱۹۸۷ CE).



۱۷. Modiriyat-e Hawzeh 'Ilmiyyah Qom (Management of the Qom Seminary), *Darayeh bar Azad Andishi va Nazariyeh-Pardazi dar Oloum-e Dini (An Introduction to Free Thought and Theory Development in Religious Sciences)*, Qom: Qom Seminary Center Publications, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۱۸. Moeini, Safra, *Farhang-e Vazhha va Istilahaat-e Modiriyat va Sazman (Dictionary of Terms and Concepts in Management and Organization)*, Tehran: Ministry of Agriculture, ۱۳۷۰ SH (۱۹۹۱ CE).
۱۹. Mustafawi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (The Verification of the Words of the Noble Quran)*, Tehran: Markaz al-Kitab for Translation and Publishing, ۱۴۰۲ AH (۱۹۸۲ CE).
۲۰. Omrani, As'ad, *Malik bin Nabi: Andishmand-e Mosluh (Malik Bin Nabi: The Thinker and Reformer)*, Translated by Sadegh Ayinevand, Tehran: Office of Islamic Culture Publications, ۱۳۶۹ SH (۱۹۹۰ CE).
۲۱. Raghīb Isfahani, Hussein bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (Lexicon of the Quranic Words)*, Beirut and Damascus: Al-Dar al-Shamiyyah, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۲ CE).
۲۲. Rezaiyan, Ali, *Mabani Sazman va Modiriyat (Foundations of Organization and Management)*, Tehran: SAMT Publications, ۱۳۷۹ SH (۲۰۰۰ CE).
۲۳. Shartuni, Saeed, *Aqrab al-Mawarid fi Fusha al-Arabiyyah wa al-Shawarid (The Nearest Resources in Pure Arabic and Exceptions)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).



۲۴. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Qom: Islamic Preaching Office of the Society of Seminary Teachers of Qom, ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۷ CE).
۲۵. Tahriri, Fakhr al-Din, *Majma' al-Bahrayn (The Confluence of the Two Seas)*, Tehran: Morteza Bookstore, ۱۴۱۶ AH (۱۹۹۶ CE).
۲۶. Velayati, Ali Akbar, *Poyaii-ye Farhang va Tamaddon-e Islam va Iran (The Dynamism of Islamic and Iranian Culture and Civilization)*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۲۷. Wasati, Zubaidi, Hanafi, Mahbub al-Din, Seyyed Mohammad Murtaza Hosseini, *Taj al-'Arus min Jawahir al-Qamus (The Crown of Bride from the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۴ CE).
۲۸. Will Durant, *Tarikh-e Tamaddon (The History of Civilization)*, Translated by Ahmad Aram and colleagues, Tehran: Enqelab Islami, ۱۳۶۵ SH (۱۹۸۶ CE).
۲۹. Zamakhshari, Abu al-Qasim, Mohammad, *Asas al-Balagha (The Fundamentals of Rhetoric)*, Beirut: Dar Sa'dir, ۱۳۹۹ AH (۱۹۷۹ CE).
۳۰. Zamakhshari, Mahmood, *Al-Kashaf 'An Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil (The Unveiler of the Mysteries of Revelation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۷ CE).